

مطالعه و تحلیل اثرات سرمایه روان‌شناختی در بهبود احساس امنیت اجتماعی روستایان شهرستان اردبیل

وکیل حیدری ساربان* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳

چکیده

هدف: هدف این مقاله مطالعه و تحلیل اثرات سرمایه روان‌شناختی بر بهبود احساس امنیت اجتماعی مناطق روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد.

روش‌شناسی تحقیق: این تحقیق از نوع کاربردی و به روش تحلیلی-تبیینی است که با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه، به روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل مراجعه شد که جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. تعداد کل روستاییان بالای ۱۵ سال شهرستان اردبیل ۱۲۳۲۶۴ نفر بود. برای تعیین حجم نمونه ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده از طریق فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر از روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل انتخاب شدند. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۸۲ الی ۰/۸۶ بدست آمد.

یافته‌ها و بحث: نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد که از بین میانگین مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی، میانگین خودکارآمدی (۷/۵۴) در رده اول و میانگین امیدواری (۴/۸۹) در رده آخر قرار دارد. و نیز، نتیجه حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد به جز مولفه امیدواری بین تمامی مولفه‌های تحقیق با بهبود احساس امنیت اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و در خاتمه، با توجه به تحلیل نتایج، پیشنهادهای کاربردی نیز ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت اجتماعی، سرمایه روان‌شناختی، توسعه روستایی، خودکارآمدی، شهرستان اردبیل

نحوه استناد به مقاله:

حیدری ساربان، وکیل. (۱۴۰۰). مطالعه و تحلیل اثرات سرمایه روان‌شناختی در بهبود احساس امنیت اجتماعی روستاییان شهرستان اردبیل. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶(۴)، ۸۹۷-۹۱۷.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.25385968.1400.16.4.10.9>

مقدمه

امنیت جزء نیازهای اساسی انسان و فصل مشترک همه مشکلات انسان از بیماری روانی گرفته تا خودکشی، اعتیاد و بزهکاری است. آرامش، رشد، شکوفایی انسان، بروز همه استعدادها و خلاقیت‌ها و نیل به همه کمالات انسان در سایه امنیت به دست می‌آید و اصولاً انسان برای رسیدن به موفقیت در زندگی و رسیدن به اهداف والای انسانی، بعد از برآورده شدن نیازهای فیزیولوژیکی به امنیت و احساس امنیت اجتماعی نیازمند است. نیاز به امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیکی انسان به عنوان یکی از ساختارهای اساسی و پایه‌ای تشکیل دهنده شخصیت قلمداد می‌شود. تا زمانی که فرد در زندگی روزمره خود احساس امنیت نکند هیچ پیشرفتی در ساختار شخصیتی خود نخواهد داشت. در سایه عدم امنیت اجتماعی، سایه آسیب‌های اجتماعی بر هر جامعه‌ای سنگینی خواهد کرد و میزان رضایت از زندگی کاهش خواهد یافت و انزوای و افسردگی، جایگزین شادی و نشاط خواهد شد. مقصود از امنیت «شناخت وضعیت رهایی از دغدغه و تعقیب ایمنی در پرتو مناسبات و تعاملات جاری بین نهادها و افراد می‌باشد» (Nasiri, 2012: 6).

Chin and et al (2016) معتقدند: ترس از ناامنی در سکونتگاه‌های انسانی اعم از شهر و روستا می‌تواند تأثیرات روان‌شناختی گسترده‌ای؛ چون: اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و عدم رضایت از زندگی ایجاد کند؛ هم چنین ممکن است جوامع انسانی که دچار آن هستند، برای مقابله با ترس خود و اجتناب از قربانی بزه واقع شدن، از مکان‌های معین و افراد غریبه و بیگانه دوری کنند؛ در نتیجه فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها محدود شود یا این‌که با تهیه تجهیزات ایمنی، حائل ایمنی در روابط اجتماعی خود با دیگران ایجاد کنند که این خود در زمان پرخطر رخداد، نتیجه معکوس دارد و منجر به افزایش خشونت و ناامنی اجتماعی در جامعه می‌شود (Hasanvand and Hasanvand, 2014: 65). مازلو در سلسله مراتب نیازها نشان داد که که ارضای نیازهای ایمنی یک احساس ذهنی مثبت به دنبال دارد که به موجب آن انسان احساس جسارت و شجاعت بیشتری می‌کنند و در نقطه مقابل آن، در نبود امنیت اجتماعی انسان‌ها دچار مشکلات عدیده شخصیتی، روانی و اجتماعی می‌شوند (Seif, 2013: 234) از جمله پیامدهای دیگر عدم امنیت این است که «شخص را در حال بسیج قوا و تلاطم و به هم‌ریختگی سوخت و ساز بدن قرار می‌دهد؛ اگر این احساس تداوم یابد، فرد را به سوی بیماری‌های جسمی و روانی سوق خواهد داد (Shamlou, 1999: 232).

امنیت از نیازها و ضرورت‌های پایه‌ای افراد و جوامع سکونتگاه‌های انسانی اعم از شهر و روستا تلقی می‌شود که فقدان یا اختلال در آن پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی در سکونتگاه‌های انسانی به دنبال دارد و مطالعات نشان می‌دهد که احساس امنیت اجتماعی افراد تا حدود بیش‌تری به ظرفیت‌های روان‌شناختی مثبت که در کنار هم عاملی را با عنوان سرمایه‌روان‌شناختی تشکیل می‌دهند بستگی دارد. و به زبان دیگر، احساس امنیت حالتی خوشایند است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی زیادی قرار گیرد. اگر با این پیش‌فرض که امنیت در جامعه (امنیت اجتماعی) برای همه یکسان باشد، میزان درک افراد از امنیت اجتماعی متفاوت از یکدیگر است که اینجا نقش عوامل روان‌شناختی به عنوان عوامل تبیین‌کننده احساس امنیت نمایان می‌شود. بدون شک کسی که دایماً در حالت ترس و اضطراب قرار دارد هم از نظر فردی (جسمی و روحی - روانی) و هم اجتماعی (روابط اجتماعی، مناسبات و غیره) دچار مشکل خواهد شد. با این حال احساس امنیت تا حدود زیادی معطوف به نوع شخصیت افراد است. بر این اساس سرمایه روان‌شناختی می‌تواند عاملی بسیار مهم در تبیین احساس امنیت اجتماعی باشد.

به باور Luthans (2004)، سرمایه روان‌شناختی یکی از شاخص‌های روان‌شناسی مثبت‌گرایی می‌باشد که با ویژگی‌هایی از قبیل باور فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت، داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف، ایجاد اسنادهای مثبت درباره خود و تحمل کردن مشکلات تعریف می‌شود. و متون روان‌شناسی حاکی از این واقعیت است که حالات روان‌شناختی افراد بر مقوله‌های زیادی از جمله توانمندسازی اجتماعی، تقویت اعتماد اجتماعی - نهادی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، بهزیستی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، تعاون اجتماعی، ادغام اجتماعی، وفاق اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و در نهایت بهبود احساس امنیت اجتماعی تأثیر گذار است و نیز، باید گفت که بی‌تردید در ایجاد احساس امنیت جوامع روستایی،

عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها برقراری امنیت و هم‌چنین احساس امنیت را کند کرده و یا مانع از تحقق آن می‌شود. ضرورت مطالعه و تحقیق در خصوص مساله مطرح شده نیز از آن جا ناشی می‌شود که تهدیدات داخلی بالقوه و بالفعل احساس امنیت اجتماعی روستاییان شهرستان اردبیل را به خطر می‌اندازد. بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر تامین احساس امنیت اجتماعی از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی مناطق روستایی به شمار می‌رود و نقش بالایی در برنامه‌ریزی راهبردی دولت‌ها در مناطق روستایی شهرستان اردبیل خواهد داشت. با توجه به موارد اشاره شده، هدف اساسی این مطالعه با توجه به نیاز مناطق روستایی در جهت وجود زمینه‌های شکل‌گیری امنیت، بررسی اثرات رابطه سرمایه روان‌شناختی بر بهبود احساس امنیت اجتماعی در بین روستاییان شهرستان اردبیل می‌باشد.

بررسی‌ها و مطالعات میدانی نگارنده در نواحی روستایی شهرستان اردبیل حاکی از آن است که میزان احساس امنیت اجتماعی روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل از منظر امنیت نوامیس، امنیت اقتصادی، امنیت فکری، امنیت جمعی، امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت شغلی، امنیت اخلاقی، امنیت فرهنگی، امنیت هویتی و امنیت قضایی با وجود اقدامات فراوان دولت در سال‌های اخیر در سطح پایینی قرار دارد و در این خصوص فرضیه ما بر این پایه شکل گرفته که تقویت سرمایه روان‌شناختی در مناطق روستایی به تقویت احساس امنیت اجتماعی جوامع روستایی منجر می‌شود. زیرا پیش فرض نگارنده بر این اصل استوار بود که مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی اعم از خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی به کسب موفقیت، سازش یافتگی، مقابله با دشواری‌های محیطی و تهدیدات بیرونی در مناطق روستایی شهرستان اردبیل مساعدت می‌کند و نیز، به شهروندان روستایی کمک می‌کند تا از عهده انجام تکالیف خود در شرایط خاص بر بیایند و نیز افراد روستایی که از سرمایه روان‌شناختی در سطح مقبولی برخوردار هستند بالطبع این توانایی را دارند که بر اضطراب بنیادین خود غلبه نمایند و به خلق احساس تداوم و نظم در رویدادها را در نیل به تقویت احساس امنیت اجتماعی اهتمام داشته باشند و نیز مسلح بودن افراد روستایی به سرمایه روان‌شناختی آن‌ها را قادر می‌سازد تا به دلیل داشتن توانمندی، انعطاف‌پذیری از عهده استرس‌ها، تنش‌ها، اضطراب و چالش‌های پیش‌روی محیطی خود بر بیایند. هم‌چنین، افراد دارای سرمایه روان‌شناختی بالا، توانایی رشد و پیشرفت را در شرایط ناگوار دارند افزون بر این، این افراد خودکنترل، خودنظم و خوداندیش هستند، خودپنداره مثبت دارند، اجتماعی هستند، هوش و کفایت بالایی در کار آموزشی دارند، از خودمختاری بالایی برخوردار هستند، ارتباطات اجتماعی خوبی دارند و از مهارت‌های حل مساله، سلامت روانی و جسمانی نیز برخوردار هستند تمامی این ویژگی‌ها و خصوصیات سبب می‌شود که افراد روستایی شهرستان اردبیل احساس امنیت اجتماعی بالایی را تجربه کرده و به تحقق توسعه پایدار روستایی معاضدت کنند. در پایان باید گفت با عنایت به آن‌چه آمد، ابتدا مبانی نظری امنیت اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سپس با ارائه مدل مفهومی ارتباط بین سرمایه روان‌شناختی و احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی بررسی گردیده است و از آنجایی که در ایران تاکنون مطالعه خاصی در خصوص نقش سرمایه روان‌شناختی در بهبود احساس امنیت اجتماعی جوامع روستایی صورت نگرفته است به همین خاطر مقاله حاضر در راستای تبیین رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و احساس امنیت اجتماعی جوامع روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد.

مبانی نظری

واکاوی اسناد نشان می‌دهد امنیت اجتماعی در حوزه‌های مختلف علوم دارای تفسیرهای متعددی می‌باشد. به عنوان مثال از منظر جامعه‌شناسان سطوح متعددی برای امنیت اجتماعی در نظر گرفته شده است، که مهم‌ترین امنیت در سطح خرد و کلان است. در سطح خرد امنیت اجتماعی بر اساس مقتضیات خود شکل گرفته و در سطح کلان امنیت اجتماعی بر اساس کارکردهایی که «جمع» می‌تواند داشته باشد، مشخص می‌شود (Rao and et al, 2014: 3).

از دیدگاه علوم سیاسی، مفهوم امنیت اجتماعی به کمک مکاتب گوناگون نظیر ایده‌آل‌گرایی، اثبات‌گرایی، فرائیبات‌گرایی، نظریه سیستمی، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم و انتقادگرایی تبیین می‌گردد که نقطه ثقل تمامی مکاتب بر این مهم تاکید دارد که امنیت اجتماعی مفهوم نسبی و سیال دارد و در هر جامعه و در هر زمانی، معنای خاص، به خود می‌گیرد (Mirzaei and et al, 2015: 69).

از زاویه نگرش و دید روان‌شناسان امنیت اجتماعی عمومیت داشتن، گسترده بودن و مشترک بودن فرآیند جامعه‌پذیری افراد یک جامعه است و آن چه موجب ناامنی اجتماعی است، وجود سبک‌های مختلف جامعه‌پذیری است (Ahmadi, 2015: 308 and Motimer, 2013: 15)

جغرافیدانان امنیت اجتماعی را مترادف با عدالت فضایی و خلق زیست نهاد مناسب جهت بهبود زیست اجتماعی و مکانی می‌دانند (Arias, 2016: 58).

برنامه‌ریزان امور فرهنگی امنیت اجتماعی را مترادف با خلق وضعیتی مطمئن، آرام‌بخش و خالی از هر گونه تهدید و تعرض در انسان، نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها، ارزش‌ها و... می‌دانند (Salehi Amiri and Afshari Naderi, 2013: 56).

اقتصاددانان وجود امنیت را با شاخص‌هایی نظیر سرمایه‌گذاری‌ها، توزیع عادلانه ثروت، استفاده از امکانات به طور یکسان، مبارزه با فساد اقتصادی و اداری، اختلاس، ارتشای، کاهش عوارض مختلف دولتی و تعرفه‌های معقول و غیر ضروری و ثبات بازار مشخص می‌سازند (Simmel, 2010: 54).

تاکنون تعاریف متعددی از امنیت اجتماعی صورت گرفته است و در یک تعریف امنیت اجتماعی عبارتست از آرامش و آسودگی خاطر که جامعه و نظام سیاسی برای اعضای خود ایجاد می‌کند (Ghaffari, 2010: 36). به باور Eden Morfield (۲۰۱۱)، منظور از امنیت اجتماعی، گروه همبسته‌ای از مردم یک سرزمین (قلمرو) در امتداد زمانی است که دارای احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده، آداب و رسوم فراگیر، قدرتمند و به اندازه کافی قابل اطمینان بوده و حیات اجتماعی را در زمانی طولانی بیمه می‌کند و تغییرات آرم توام با انتظارات قابل پیش‌بینی را در میان مردمش تجربه می‌کند (Goetschel, 2009: 27). امنیت اجتماعی از نگاه Buzan (1391)، به قابلیت الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است. از این منظر با حفظ عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه، تحقق شرایط امن برای بقای و تداوم جامعه میسر می‌شود. هم‌چنین به زعم ایشان، ممکن است در جامعه‌ای امنیت وجود داشته باشد، اما به دلایلی فرد احساس امنیت نکند. وی می‌گوید احساس ایمنی ذهنی یا اعتقاد به دانستگی‌های فشرده، به هیچ روی به منزله وجود امنیت واقعی یا درستی دریافت‌های شخصی نیست. به زعم Bilgin (2010)، امنیت اجتماعی آن است که چگونه جوامع منافع و هویت‌شان را خلق و بازتولید می‌کنند. از منظر موسر (۲۰۱۳)، امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی و احتمالی مربوط می‌شود، چه فرد هراس و ترس عینی داشته باشد و چه این که احساس خطر کند. از دید Zender (2014)، امنیت اجتماعی بر تهدیدات علیه هویت فرهنگی بیش از حق حاکمیت دولت‌ها متمرکز است. دورکیم امنیت را در همبستگی جامعه دانسته و بر مقررات و قواعدی تکیه می‌کند که ریسک‌پذیری آزار رساندن افراد به یکدیگر را کاهش داده، حقوق دیگران را رعایت و امیال و خواسته‌های افراد را مهار کند و بدین‌سان امنیت با ایجاد نظم اجتماعی از طریق قوانین و مقررات با ایجاد نظم حقوقی، تکالیف افراد را مشخص ساخته و افراد به لحاظ وابستگی به جامعه و به یکدیگر، خود را موظف می‌سازند تا حدود یکدیگر را رعایت کنند و نیازی به قوای قهری و بیرونی که هزینه‌های جامعه را افزایش می‌دهند، نباشد. (Heidai Sarban, 2015: 48). Brouws Koen (2012)، امنیت اجتماعی را امکان فرصت زندگی و سپس نوع زندگی به اعضای یک جامعه می‌داند. از منظر ایشان، امنیت اجتماعی مانند حفاظ و عایقی است که اعضای جامعه را از گزند خطرات حفظ کرده و علاوه بر ضمانت بقای آن، هویت و تشخیص آنان را زیر نظر دارد. Turner (2012)، امنیت اجتماعی را توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی می‌داند. Giddens (۱۳۷۸)، مصونیت در برابر خطر را امنیت می‌داند. در نظر وی، خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که وقتی روی امنیت در دست است، خطر حداقل است و به عکس زمانی که با خطر دست و پنجه نرم می‌کنیم، امنیت اجتماعی مغشوش و پنهان است. به باور Moler (2008)، امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمان‌ها و دولت است. پارسونز برای امنیت اجتماعی، چهار بعد قائل است که هر کدام از آن‌ها به یک خرده سیستم جامعه مربوط می‌شوند و از برآیند برخورداری از آن‌ها می‌توان به تحقق امنیت در سطح جامعه امید داشت. امنیت مالی و اقتصادی، سیاسی، حقوقی، قضایی و فرهنگی، به ترتیب، در نظام فکری پارسونز ضروری هستند و هریک از جایگاه خاصی برخوردارند. فقدان هریک از این ابعاد، روند سیبرنتیکی را دچار اختلال می‌نماید و دنیای کارکردها را مختل و جامعه را در کلیت خود دچار عدم تعادل و

پرشان‌حالی می‌کند؛ بنابراین، برای داشتن جامعه‌ای توأم با آرامش و اطمینان خاطر الزم است به هر چهار بعد امنیت توجه داشت و با تضمین آنان، امنیت جامعه را فراهم نمود (Navidnia, 2010: 79) و به باور ایشان، امنیت اجتماعی با حفظ و ادامه توانایی نهادهای جامعه برای انجام وظایف کارکردی‌شان فراهم می‌شود، یعنی امنیت اجتماعی با ایجاد و حفظ شرایطی بسترهای لازم برای کارکرد نهادهای اجتماعی فراهم می‌نماید تا در انسجام جامعه نقش ایفا نمایند. هم‌چنین، ایشان مسائل اجتماعی از جمله نظم را در دو سطح خرد و کلان می‌بیند. در سطح خرد می‌گوید که فرد و تعامل دو عنصر سازنده و نقش‌آفرین هستند، یعنی افراد باید باشند و آنها ضمن ایجاد تعامل (اظهاری) با یکدیگر به تشکیل اجتماع و عنصر کلی «ما» بپردازند و بدین گونه یک اجتماع تشکیل شود، ایشان برقراری نظم خرد را مشروط به چهار عنصر؛ همفکری مشترک، همگامی مشترک، همدلی مشترک و در نهایت هم بختی مشترک می‌داند.

Fararo and Lakrenj (۱۹۷۸-۱۹۹۲) گزارش فرد از احساس ناامنی در مکان‌های عمومی را بیان‌کننده یک نتیجه روان‌شناختی می‌داند؛ چرا که به لحاظ تئوریک و مفهومی احساس ناامنی یک پاسخ عاطفی توأم با ترس یا اضطراب است. امنیت در این سطح یک احساس است و لزومی ندارد که وجود خارجی داشته باشد. یعنی اگر فرد با وجود رفع نیازهایش احساس اضطراب داشته باشد، ایمنی ندارد. با این وصف، پیداست که مولفه روان‌شناختی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تأثیرگذار در احساس امنیت اجتماعی جوامع انسانی است و هرچه قدر در میزان ظرفیت‌های روانی افراد بهبودی حاصل شود به همان میزان در تقویت احساس امنیت اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود پس باید گفت که بین تقویت سرمایه روان‌شناختی و بهبود احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد به این دلیل که، برخوردار بودن از سرمایه روان‌شناختی افراد را قادر می‌سازد تا علاوه بر مقاومت بهتر در برابر موقعیت‌های استرس‌زا، کمتر دچار تنش شده، در برابر مشکلات از توان بالایی برخوردار باشند، به دیدگاه روشنی در مورد خود برسند و کمتر تحت تأثیر وقایع روزانه قرار گیرند، از این رو این افراد دارای سرمایه روان‌شناختی بالاتری بوده و از احساس امنیت اجتماعی بیش‌تری برخوردار هستند.

گفتنی است که سرمایه روان‌شناختی از متغیرهای روان‌شناختی مثبت‌گرایی تشکیل شده است که قابل اندازه‌گیری، توسعه و پرورش هستند و امکان اعمال مدیریت بر آنها وجود دارد و این متغیرها عبارتند از: خودکارآمدی، امیدواری، خوش‌بینی، تاب‌آوری (Donohue, 2004: 68). از دیدگاه Luthans (2008)، اولین مولفه سرمایه روان‌شناختی خودکارآمدی و یا به تعبیر آشناتر اعتماد به نفس است. بندورا (۱۹۷۷)، خودکارآمدی را به صورت قضاوت و یا باور فرد درباره این که چگونه می‌تواند اقدامات لازم برای رسیدن به موقعیت مورد انتظار را مدیریت کند، تعریف کرده است. بررسی تأثیر خودکارآمدی بر احساس امنیت اجتماعی نیز حاکی از این واقعیت است که بین خودکارآمدی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. به باور Topkaya (2014)، هرچقدر فرد از خودکارآمدی بالایی برخوردار باشد به همان میزان توانایی مقابله با استرس‌ها و ناهنجاری‌های محیطی را پیدا کرده و به مدیریت بهینه بحران‌های پیش روی خود پرداخته و شدت آنها را تقلیل و تخفیف می‌دهد. به زعم Lio (2013)، افرادی که از خودکارآمدی بالایی برخوردار باشند در تعاملات و ارتباطات اجتماعی خود موفق بوده و به میزان زیادی در شبکه‌های اجتماعی دوستان و خویشاوندان ادغام شده و احساس امنیت اجتماعی بیش‌تری نسبت به افراد منزوی و گوشه‌گیر دارند. به باور Wu and et al (2012)، خودکارآمدی پلی برای ایجاد تعاملات بین شخصی به جای تعارض و درگیری است. به زعم بلوک و واگنر (۲۰۱۳)، بین خودکارآمدی و امنیت اقتصادی رابطه وجود دارد که به این سبب که کارآفرینان در وضعیت ابهام به فعالیت اقتصادی دست می‌بازند این بیش‌تر در شرایطی است که مخاطرات اقتصادی در کمین بوده و کمترین پیش‌بینی و پیش‌آگاهی واقع‌گرا قابل تصور است.

از دیگر مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی مولفه خوش‌بینی می‌باشد که Seligman (2000)، خوش‌بینی را به جای یک صفت شخصیت، به عنوان یک سبک تبیینی می‌دانند. به این صورت که افراد خوشبین گرایش دارند که مشکلات خود را به عنوان مشکلات موقتی، مربوط به عوامل بیرونی، قابل کنترل و مختص به یک موقعیت خاص تعبیر کنند. Harms and Luthans (2012)، در مطالعات خود پیرامون اثرات خوش‌بینی بر احساس امنیت اجتماعی به ارتباط معنادار بین این دو متغیر دست یافتند. یافته‌های این مطالعه با یافته‌های مطالعات Aspinwall and Ritzer (2000)، همسو قرار گرفت. و نیز، به باور Pory and Robinson (2010)، بین خوش‌بینی و امنیت اقتصادی رابطه وجود دارد به این دلیل که خوش‌بینی مهم‌ترین عامل در مداخله مالی محسوب شده و به همکاری اقتصادی منجر می‌شود افزون بر این، خوش‌بینی تصمیم‌گیری اقتصادی را تسریع کرده و

معاملات اقتصادی را تسهیل می‌کند چون که افراد خوش‌بین چشم‌داشت مثبتی درباره وقایع آینده داشته و کمتر احساس بدبینی به آینده پیدا می‌کنند در نتیجه احساس امنیت اجتماعی بیش‌تری نسبت به افراد بدبین دارند. علاوه بر این، به زعم Asad and Donlan (2010)، بین خوش‌بینی و امنیت شغلی رابطه وجود دارد از این رو که کارآفرینان از خوش‌بین‌ترین افرادی هستند که به فعالیت اقتصادی در شرایط عدم قطعیت مبادرت می‌ورزند.

یکی دیگر از مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی امیدواری می‌باشد که Luthans and Avlio (2008)، امیدواری را هم چون «داشتن قدرت و اراده و مسیری به سوی دستیابی به اهداف مشخص» توصیف می‌نمایند. و به تعبیر Luthans (2002)، امیدواری مستلزم داشتن اراده برای نیل به موفقیت و نیز، شناسایی، شفاف‌سازی و پی‌گیری راه‌های لازم برای دستیابی به موفقیت است. Eshnaider (2002)، امیدواری را حالت انگیزشی مثبتی که از حس موفقیت ناشی از هدف داشتن و برای رسیدن به آن‌ها برنامه داشتن ناشی می‌شود تعریف می‌کند. Peterson and Vaidya (2004)، در مطالعات جامعه‌شناختی خود در مورد امیدواری ارتباط بین امیدواری و احساس امنیت اجتماعی را اثبات نمودند و این دست‌آورد در مطالعه Tennen and Affleck (2000)، نیز تایید گردید. Segretrom and Solberg (2009)، در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که هر چه قدر فرد در زندگی خود بیش‌تر امیدوار باشد به خوبی با دیگران دمساز و هم‌ساز شده و به فعالیت‌های جمعی با دیگران می‌پردازد.

مولفه دیگر سرمایه روان‌شناختی مولفه تاب‌آوری می‌باشد که از منظر Hang (2005)، تاب‌آوری نوعی حالت قابل توسعه در فرد است که بر اساس آن فرد قادر است در رویارویی با ناکامی‌ها و تعارض‌های زندگی و حتی رویدادهای مثبت، پیشرفت‌ها و مسئولیت بیش‌تر به تلاش افزون‌تری ادامه دهد و برای دستیابی به موفقیت بیش‌تر، از پای ننشیند. Harmas and Luthans (2012)، در مطالعات خود پیرامون اثرات تاب‌آوری بر احساس امنیت اجتماعی به ارتباط معنادار بین این دو متغیر دست یافتند. یافته‌های این مطالعه با یافته‌های مطالعات ابريست و همکاران (۲۰۱۵)، همسو قرار گرفت. به باور Lin (2012)، بین تاب‌آوری و کاهش تنش‌های بین شخصی، کاهش تعارضات و درگیری‌ها و ارتقای همکاری اجتماعی، انسجام اجتماعی و تطابق و سازگاری با محیط رابطه وجود دارد به این دلیل که افراد تاب‌آور، بیش‌تر سعی می‌کنند که اختلافات را به رسمیت شناخته و به تفاوت‌های هم‌نوعان خود احترام قائل شده و با دیگران به صورت مسالمت‌آمیز زندگی بکنند. به باور Alvord and et al (2014)، بین تاب‌آوری و امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی و امنیت شغلی رابطه وجود دارد.

تاکنون مطالعات اندکی در خصوص اثرات سرمایه روان‌شناختی بر بهبود احساس امنیت اجتماعی صورت گرفته که در ذیل به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

Erdem (2017) در مطالعات خود با عنوان «بررسی سرمایه روان‌شناختی بر امنیت اجتماعی روستاییان» دریافت که خودآثربخشی و امیدواری به بهبود احساس امنیت اجتماعی روستاییان مساعدت می‌کند به این مفهوم که، روستاییانی که از خودکارآمدی و توانمندی بالایی در عرصه‌های متعدد برخوردار باشند دیگر دل‌نگران آینده نمی‌شوند مبنی بر این که، نتوانند محصولات کشاورزی خود در بازار به فروش برسانند، از این که نتوانند نیازهای اولیه خانواده خود را تامین نمایند، ثبات شغلی خود را در مخاطره ببینند، از این که، نابسامان‌های اجتماعی رخ دهد، انسداد سیاسی و بحران‌های حاکمیتی ظهور و بروز یابد.

Cheisa and et al (2018) در یافته‌های با عنوان «اثرات تاب‌آوری در بهبود احساس امنیت اجتماعی روستاییان» به این نتیجه رسیدند که هر چقدر میزان تاب‌آوری روستاییان بیش‌تر باشد به همان میزان احساس امنیت اجتماعی بیش‌تری را تجربه می‌کنند، یعنی روستاییان کمتر دچار احساس محرومیت نسبی می‌شوند، به اخلاقیات و معنویات بیش‌تر مقید می‌مانند که به نوبه خود در کاهش تنش‌های اجتماعی تاثیرگذار است، و نیز، افراد تاب‌آور بیش‌تر به همدیگر اعتماد می‌کنند و در سایه اعتماد میزان دغدغه‌ها و نگرانی‌های اجتماعی آنان به شدت کاهش می‌یابد و در صورت بروز مشکل و رخداد و حوادث ناگوار تجربیات خود را با همدیگر به اشتراک می‌گذارند و جهت برون‌رفت از مشکلات مذکور راهکار عقلانی و منطقی می‌جویند.

Koller (2016) در مطالعات خود با عنوان «مطالعه رابطه بین امیدواری و احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی» دریافت که روستاییان امیدوار بر عکس روستاییان ناامیدوار به خوبی از عهده مدیریت استرس و اضطراب و دل‌نگرانی و تشویش که احساس امنیت اجتماعی را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد بر می‌آیند به این دلیل که روستاییان امیدوار با فشار هیجانات خود به طور موثر و اثربخش مواجه می‌شوند.

نتایج مطالعات Motaghi and et al (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی تاثیر سرمایه روان‌شناختی و خودکارآمدی بر احساس امنیت اجتماعی دانش‌آموزان» نشان داد که بین سرمایه روان‌شناختی، خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد.

نتایج مطالعات Bidokhtei and Sharifi (۱۳۹۱)، با عنوان «بررسی نقش مداخله‌گرایانه سازه سرمایه روان‌شناختی در رابطه با دینداری و احساس امنیت اجتماعی» نشان داد که بین مولفه‌ها و ابعاد دینداری مولفه مناسبی دارای بالاترین اثر بر سرمایه روان‌شناختی است و سرمایه روان‌شناختی نیز بر روی امنیت جانی، ملی و سیاسی اثر مثبت و معناداری دارد.

نتایج مطالعات لانگ و لاندانی (۲۰۱۵)، گویای این واقعیت است که بین خودکارآمدی و تقویت احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی رابطه وجود دارد به این مفهوم که، خودکارآمدی به خودنظم‌دهی و رفتار منظم فرد روستایی ختم می‌شود، و سبب می‌شود در کنترل استرس، اضطراب، ترس و دلهره که از مولفه‌های احساس ناامنی هستند به فرد روستایی مساعدت نماید. و نیز، خودکارآمدی سبب ترغیب انگیزش و منابع شناختی فرد شده و عاملی برای اعمال کنترل بر رویدادها و رخدادها و حوادث ناگوار انسانی و طبیعی می‌شود و متعاقب آن فرد با اعمال کنترل بر رخدادهای ناگوار پیش‌رو احساس امنیت بیشتری را تجربه می‌کند. این تحقیق با مطالعات بندورا هم‌خوانی دارد با این توضیح که به باور بندورا خودکارآمدی بنیادی‌ترین سازوکار ضروری انسان برای اداره و کنترل حوادثی است که بر زندگی او اثر می‌گذارد.

نتایج مطالعات Ghomashi and et al (2017)، با عنوان «بررسی میزان سرمایه روان‌شناختی نوجوانان و تأثیر آن بر گرایش به جرم» نشان داد که می‌توان با افزایش مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی و تقویت بنیه روحی روانی افراد می‌توان از معضل اجتماعی جرم در جامعه کاست و بدین طریق افراد را در برابر مشکلات و بن‌بست‌های زندگی، واکسینه نمود.

نتایج مطالعات Karami and Farahbakhsh (2016)، با عنوان «بررسی مولفه‌های اساسی موثر بر افزایش امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت» نشان داد که مولفه‌هایی نظیر طرح‌واره‌های شخصی، نیاز به امنیت، ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت و احساس محرومیت و احساس تعلق از موارد موثر بر افزایش امنیت اجتماعی جامعه محسوب می‌شوند. مطالعات Salimi and et al (2013)، با عنوان «بررسی نظم و امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر کاشمر» گویای این واقعیت است که فقدان همفکری مشترک، عدم هم‌بختی مشترک، فقدان همدلی مشترک و فقدان همگامی مشترک بر نظم و امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهرستان کاشمر تأثیر دارند.

گزارش مرکز افکارسنجی ناجا (۱۳۸۰)، مبین این است که احساس امنیت در جامعه، به عوامل ایجادکننده‌ی ناامنی، شامل احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود شرایط جرم‌خیز و میزان مخاطره‌آمیز بودن شرایط و موقعیت‌هایی که هر فرد در طول زندگی با آن‌ها برخورد می‌کند.

نتایج مطالعات Heidari Sarban (2016)، با عنوان «عوامل بهبود امنیت اجتماعی از دیدگاه روستاییان» نشان داد که مهم‌ترین عوامل بهبود امنیت اجتماعی از دیدگاه روستاییان در منطقه مورد مطالعه شامل چهار مولفه (بهبود شاخص‌های رفاه اقتصادی و اقدام مداخله‌ای دولت، تقویت سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌های شناختی، تحقق عدالت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌ها و تعلقات مکانی و آرامش روحی و روانی) است.

Zanjanizadhe (2005)، به این نتیجه رسیده که هرچه تجربیات مخاطره‌آمیز فرد بیشتر باشد به میزان بیشتری احساس ناامنی می‌کند و هرچه مرتبه‌ی شغلی فرد بالاتر باشد، بیشتر احساس امنیت می‌نماید و اگر فرد احساس مثبت بیشتری از خود داشته باشد، کمتر احساس ناامنی می‌کند. همچنین افرادی که به طور مرتب از منزل خارج می‌شوند و با مشکلات کمتری مواجه می‌شوند، بیشتر احساس امنیت می‌کنند.

نتایج مطالعات Hajlu and Abbasi (2011)، با عنوان «بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی نوجوانان و جوانان در استان اردبیل» نشان داد که اعتماد اجتماعی، عزت نفس و سرمایه اجتماعی بیش‌ترین اثر تعیین‌کننده بر احساس امنیت اجتماعی داشته است.

ساگن و کارولی (۲۰۱۳)، بر این اعتقاد هستند روستاییانی که از سرمایه روان‌شناختی بیشتری برخوردار هستند توانایی این را پیدا می‌کنند که با موقعیت‌های استرس‌زا به طور شایسته مقابله کنند، دچار تنش و استرس کمتری بشوند، میزان تاب‌آوری بالایی در

برابر مشکلات داشته باشند، به خودشناسی نائل آیند و کمتر دچار همرنگی با جماعت بشوند، و بالاخره، افرادی که به این ویژگی‌های روحی و روانی مسلح و مجهز باشند ضمن کنترل بر زندگی شخصی خود دید مثبتی به آینده پیدا می‌کنند و دید مثبت به آینده به جوامع روستایی کمک می‌کند تا احساس امنیت بیش‌تری را تجربه کنند.

Masodnia (2010)، در پژوهشی در خصوص رابطه عزت نفس و اضطراب اجتماعی دریافت که هر قدر نمره افراد در مقیاس عزت نفس و مولفه ارزیابی خود ارتقای یابد، میزان اضطراب اجتماعی کاهش می‌یابد.

نتایج پژوهش Ahmadi and Farhadi (2012)، در تحقیقی با عنوان «تاثیر عزت نفس بر احساس امنیت در بین زنان در شهر سنندج» نشان داد که عزت نفس به عنوان یک ویژگی روانی، بر احساس امنیت تاثیر دارد. بر این اساس، با آموزش عزت نفس به عنوان یک مهارت رفتاری به زنان، می‌توان، احساس امنیت آنان را ارتقای بخشید. به باور Asencio and et al (2014)، اعتماد به نفس نقش مهمی در تصمیم‌گیری برای مراقبت از خود در برابر قربانی شدن دارد.

به زعم Jackson (2010)، خودکارآمدی و مدیریت منابع، تاثیر مهمی بر کاهش ترس از جرم دارد. به باور Eman and et al (2005)، بین تاب‌آوری و احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی رابطه وجود دارد به این دلیل که شهروندان روستایی تاب آور در بحران‌ها و حوادث غیرمترقبه مشارکت بیش‌تری داشته و از همبستگی اجتماعی، هویت واحد، حس تعلق مکانی بالاتری برخوردار هستند که تمامی این متغیرها زمینه تشدید بحران امنیت را تقلیل و تخفیف می‌دهد.

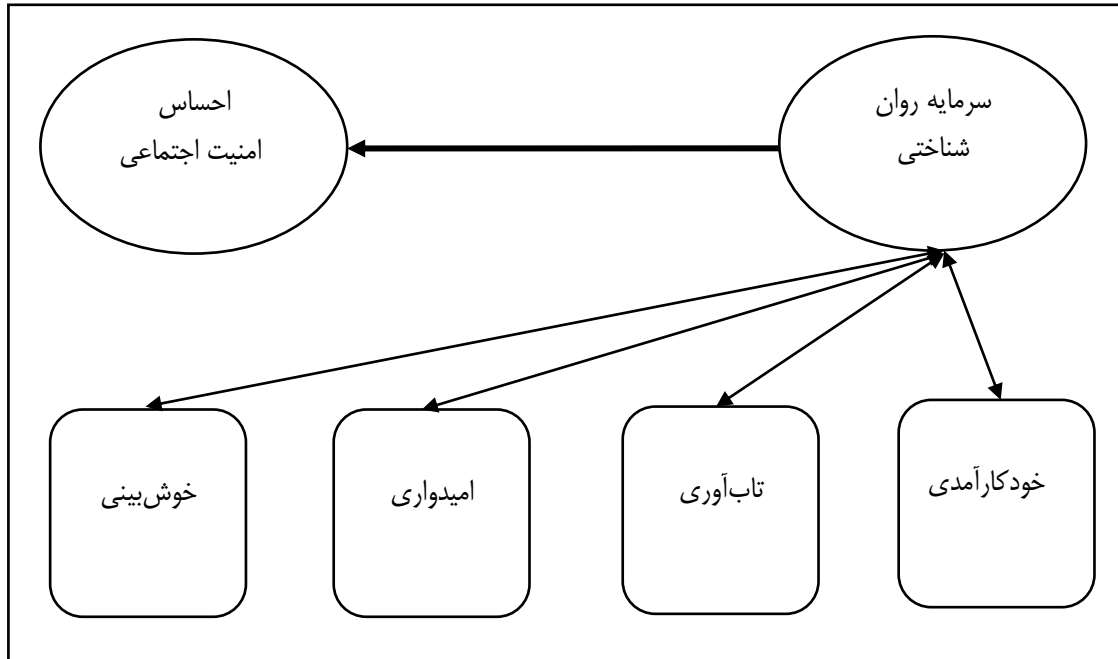
Kelin and et al (2009)، در مطالعات خود دریافت که خوداثربخشی و خودکارآمدی از متغیرهای تاثیرگذار در تقویت احساس امنیت اجتماعی جوامع روستایی محسوب می‌شود از این رو که، خوداثربخشی و خودکارآمدی به مدیریت بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناطق روستایی توسط خود شهروندان روستایی با ارتقای انعطاف‌پذیری، خودفرمانی، مسئولیت‌پذیری، خلاقیت، ابتکار عمل خود مساعدت می‌کند و روستاییان را قادر می‌سازد تا قابلیت تصمیم‌گیری و مدیریت متکی به خود را در مقابل بحران‌ها و چالش‌های پیش‌روی پیدا کنند.

Brissette and et al (2005)، در یافته‌های پژوهشی خود دریافت که بین خوش‌بینی و احساس امنیت اجتماعی روستاییان رابطه وجود دارد به این سبب که، در خوش‌بینی پیامدهای مثبت مورد انتظار هستند و افراد خوش‌بین به راحتی قادر هستند که مشکلات پیش‌روی خود را حل کرده و نقشه‌هایی را برای فعالیت خود طراحی کرده و بر طبقه آن عمل می‌کنند افراد خوش‌بین اجتماعی‌تر هستند و خوش‌بینی نقش مهمی در پیش‌گیری از بروز اختلالات جسمی، روانی و افزایش سطح سلامت روان دارد حتی افراد خوش‌بین در مقابل حوادث بسیار استرس‌زا و تهدیدزای زندگی سربلند بیرون می‌آیند.

به باور Fan and et al (2013)، بین امیدواری و احساس امنیت اجتماعی روستاییان رابطه وجود دارد به این دلیل که، افراد امیدوار در مواجهه با مشکلات کمتر دچار استیصال و درماندگی می‌شوند و بیش‌تر سعی می‌کنند با تلاش مضاعف خود مشکلات و سختی‌ها را از پیش‌روی خود بردارند.

در خاتمه، با تعمق در مطالعات انجام شده در خصوص امنیت اجتماعی و اثرات روان‌شناختی بر آن این حقیقت عیان می‌شود که تحقیق حاضر یک تفاوت ماهوی با تحقیقات انجام شده توسط دیگر پژوهشگران و محققان دارد و آن هم این است که محققانی که سعی کرده‌اند امنیت اجتماعی را از زاویه روان‌شناختی بنگرند بیش‌تر به تقلیل‌گرایی دچار شده‌اند یعنی بیش‌تر به گوشه‌هایی از بعد روان‌شناختی و اثراتش بر امنیت اهتمام ورزیده‌اند یعنی سرمایه روان‌شناختی را در کلیت خود ندیده‌اند به عبارت دیگر، به سرمایه روان‌شناختی که با مولفه‌های خوش‌بینی، تاب‌آوری، امیدواری و خودکارآمدی شناخته می‌شود توجه نکرده‌اند به زبان ساده بعضی از محققین سعی کرده‌اند اثرات تاب‌آوری را بر امنیت مورد بررسی قرار دهند عده‌ای از آن‌ها، جهد و کوشش کرده‌اند پیوند بین خوش‌بینی و امنیت را مورد واکای قرار دهند و بعضی به ارتباط بین امیدواری و امنیت پرداخته‌اند و نهایت این‌که عده دیگری نیز اثرات خوش‌بینی را بر امنیت به میزان وسیع علمی و فکری و معرفتی و شناختی خودشان تحلیل و تبیین کرده‌اند. این در حالی است که در تحقیق حاضر به ارتباط بین تمامی مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی با امنیت اجتماعی مبادرت شده است و کوشش شده است اثرات سرمایه روان‌شناختی در کلیت خودش مورد بحث و بررسی قرار گیرد یعنی از تمامی زوایا و منظر به داستان نگاه شود و در ضمن مطالعات صورت گرفته بیش‌تر متمرکز به مناطق شهری است نه نواحی روستایی. گویی که در نواحی روستایی انسانی که زندگی می‌کند احساس و عواطف و هیجانات، باور و خواسته ندارد و از عوامل محیطی منفی و مثبت متاثر نمی‌شود به عبارتی روستاییان سوژگی و فاعلیت و عاملیت نباید داشته باشد و نباید تمامی زوایا و خفایای تاثیرگذار در زیست اجتماعی، فرهنگی

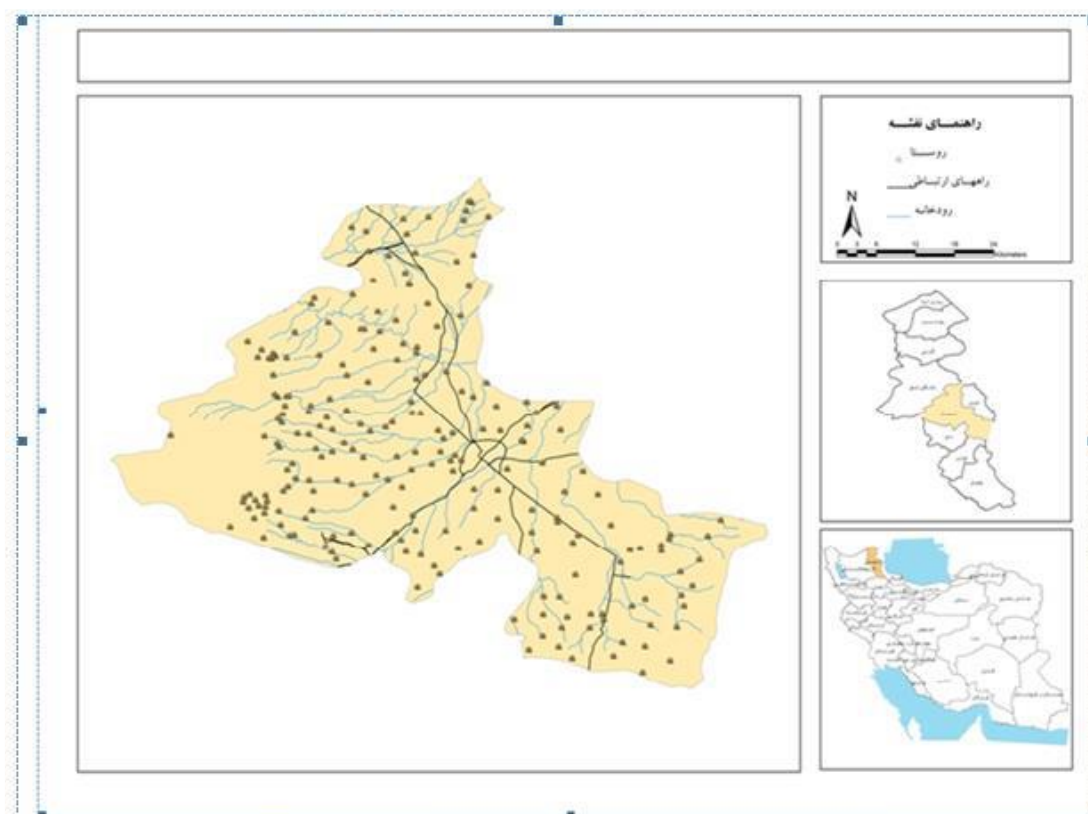
و سیاسی شهروندان روستایی مورد مطالعه قرار گیرد و نباید راهکارهایی جهت بهبود زیست اجتماعی و غیره در راستای بهزیستی و افزایش کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی روستاییان ارائه گردد البته در این بین نباید نگاه ابزاری به روستا داشت و روستاییان را ماشین تولید و متضمن امنیت غذایی جامعه دانست بلکه باید این نکته مورد اهتمام قرار داد که روستاییان هم باید از فرصت‌هایی که شهروندان شهری از آن بهره می‌جویند برخوردار شوند و دسترسی برابر به فرصت‌ها را داشته باشند که این گزاره هم با هم عقل و منطق سازگار است و هم با اخلاقیات و معنویات و ارزش‌های دینی و هم با عدالت و برابری و مساوات. در نهایت چارچوب نظری تحقیق بر اساس اهداف مد نظر و با توجه به مرور ادبیات و پیشینه موضوع در شکل (۲)، ارائه شده است.



شکل ۱. مدل پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش

اردبیل یکی از شهرستان‌های استان اردبیل است که مرکز آن شهر اردبیل است این شهرستان به عنوان یکی از مناطق سردسیر ایران، بین ۵ تا ۸ ماه از سال سرد است اردبیل از شمال به شهرستان نمین از جنوب به گیوی از غرب به مشگین شهر و از شرق به استان گیلان محدود است جمعیت این شهرستان بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ ایران، برابر با ۲۷۴۲۰۵ نفر است که از این بین، ۱۵۰۹۴۱ نفر در مناطق شهری و ۱۲۳۲۶۴ نفر در نقاط روستایی ساکن هستند. این شهرستان دارای ۳ شهر به نام اردبیل، هیر و سرعین است. هم چنین شهرستان اردبیل دارای دو بخش، ۱۱ دهستان و ۳۲۹ آبادی دارای سکنه است. شکل (۱)، محدوده مورد مطالعه را در سطح کشور نشان می‌دهد.



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف توسعه‌ای، و از لحاظ ماهیت، پیمایشی و نیز از نوع همبستگی است. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، به صورت پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از دو نوع پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی و امنیت اجتماعی استفاده گردید. ابزار جمع‌آوری داده پرسش‌نامه بوده است. پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی شامل ۳۴ پرسش شامل (پیدا کردن راهکارهای مختلف در کارها، توانایی روبرو شدن با اهداف در زندگی، حرف زدن با خود در حین انجام تکالیف، عملکرد عاقلانه داشتن در صورت بروز مشکل، بررسی رفع مشکل در صورت نبود کارها بر طبق خواسته‌ها، اعتقاد بر استعداد کافی هر انسان در نیل به موفقیت، اعتقاد بر مشکل بودن دستیابی به موفقیت، معین کردن وظایف خود در کارهای جمعی، به دنبال اهداف زندگی بودن در حال حاضر، داشتن توانایی لازم برای پیشرفت، در صورت بروز مشکل آمادگی خود جهت مواجهه با آن، توانایی انجام چند وظیفه فرعی در موقع انجام دادن وظیفه اصلی، دیدن جنبه‌های مثبت کار به صورت مداوم، نگاه کردن به کسب‌وکار به عنوان بهترین بعد زندگی، اعتقاد بر شکل‌گیری موفقیت‌های بزرگ از کارهای کوچک، داشتن انگیزه، اعتقاد به نیل به موفقیت در دست یازیدن به کارهای جمعی، مشارکت در بحث‌های اساسی زندگی به صورت دلخواهی، ارائه اطلاعات مفید به دیگران با طیب خاطر، فکر کردن پیرامون وجود داشتن روش‌های زیاد جهت حل مشکلات، بودن مشکلات به عنوان بخشی از زندگی، توانایی مدیریت مشکلات متنوع، خوش بین بودن نسبت به آینده، اعتقاد بر پیشرفت یک فرآیند به صورت مداوم، وجود داشتن موفقیت به دنبال هر شکست، ریسک‌پذیری، نوآوری، خلاقیت، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، داشتن انتظار بهترین عملکرد حتی در صورت مشخص نبودن وظایف، بوجود موفقیت به خاطر تفکر درباره یک موفقیت، احساس رضایت از زندگی و بی توجه بودن به ارزش داورهای دیگران) است که به سنجش مولفه‌های خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی می‌پردازد. مضاف بر این، برای سنجش امنیت اجتماعی محقق با توجه به سؤالات تحقیق به تهیه و تنظیم پرسش‌نامه با توجه به اهداف تحقیق مبادرت ورزید.

روایی صورتی پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۸۲ الی ۰/۸۶ بدست آمد. متغیرهای مستقل این تحقیق شامل مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش بینی) و متغیر وابسته شامل شاخص‌های امنیت اجتماعی (امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت اقتصادی، امنیت شغلی، امنیت اخلاقی، امنیت هویتی، امنیت نوامیس، امنیت فرهنگی، امنیت جمعی، امنیت اقتصادی، امنیت فکری و امنیت قضایی) مناطق روستایی می‌باشد در این نوشتار، متغیر وابسته در ۶۴ گویه شامل (اطمینان از امان ماندن اموال و دارایی‌ها در برابر آسیب‌ها، آسودگی خاطر از امان ماندن اموال و دارایی در محیط عمومی، تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌ها، دچار اندوه شدن دیگران در صورت بروز مشکل برای ما، میزان سهیم بودن دیگران در شادی‌ها، میزان تشریک مساعی دیگران در رفع مشکلات، عدم وجود مزاحمت برای خانم‌ها در مکان عمومی، عدم نگرانی از آینده شغلی، عدم نگرانی از تبعات بروز خشکسالی در آینده، اطمینان به وعده‌های دولت پیرامون خرید تضمینی محصولات کشاورزی، اطمینان به وعده‌های دولت در خصوص بیمه محصولات تولیدی، آسودگی خاطر از وعده دولت در خصوص گسترش شهرک‌های صنعتی در مناطق روستایی، اطمینان به وعده‌های دولت راجع به توسعه گردشگری روستایی در آینده، اطمینان به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در مناطق روستایی، اطمینان به وعده‌های دولت در خصوص قرار دادن نهاده‌های کشاورزی در اختیار روستاییان، حاکم شدن فضای نشاط و امیدواری در مناطق روستایی، تقویت شفقت روستاییان نسبت به همدیگر، حاکمیت عدالت و برابری در مناطق روستایی، قانع بودن روستاییان به حق و حقوق خود، کمک روستاییان به همدیگر در مواقع بروز مشکل، حمایت روستاییان از همدیگر در مواقع بروز تنش و بحران، حل سریع اختلافات و تعارض در بین روستاییان، اطمینان خاطر به رفع مشکلات طرفین دعوا توسط مراجع قضایی بدون تضییع حقوق، توجه به رسوم خانوادگی، اطمینان به حمایت اجتماعی از طرف دولت، پایین بودن شکاف اجتماعی در مناطق روستایی، اطمینان به اثربخشی پلیس و عملکرد رضایت‌بخش آن، عدم نگرانی از آینده فرزندان خود، عدم نگرانی از به تاخیر افتادن ازدواج جوانان روستایی، اطمینان به کارآمدی دولت در خدمات‌رسانی مطلوب به مناطق روستایی، پایبندی به ارزش‌های خانوادگی، بالا بودن میزان انسجام فرهنگی روستاییان، بالا بودن آرامش روانی روستاییان، ارتقای میزان بهبود ارزش‌های فرهنگ عمومی، پایین بودن تبعیض و نزاع قومی در بین اجتماعات روستایی، عدم ترویج سبک زندگی مغایر با ارزش‌ها و هنجارها و نرم‌های متعارف جامعه روستایی، پایین بودن میزان بیکاری در مناطق روستایی، رضایت‌مندی از زندگی در مناطق روستایی، ارتقای سازگاری اجتماعی جوامع روستایی، بیان افکار و عقاید به طور آزادانه توسط افراد روستایی، نبود دغدغه فکری، میزان برنامه‌ریزی در مورد آینده با آسایش خیال، میزان برخورداری افراد از آزادی مذهب و اعتقاد، مهم بودن سرنوشت سایرین برای افراد روستا، فکر کردن به غیر خود به دلیل شرایط زمانه، داشتن تمایل زیاد به مشارکت در طرح‌های عمرانی توسعه روستایی، داشتن مراوده اجتماعی با سایرین و لذت بردن از هم‌نشینی با دوستان، حمل پول زیاد با اطمینان خاطر، نگرانی از دست دادن خانه و ماشین و پول، عدم ترس از حضور در مکان‌های عمومی روستا در ساعات خاصی از شبانه روز، میزان احساس ایمنی در مقابل آسیب‌های جسمی ناشی از دیگران و میزان نگرانی از ابتلا به بیماری‌های سخت، رضایت‌مندی شغلی، عادلانه بودن کار خود نسبت به مزد دریافتی، میزان برخورداری از حقوقی برابر با سایر شهروندان، تفاهم بیشتر بین والدین و فرزندان، تشدید گرایش جوانان به ارزش‌های اصیل دینی و مذهبی، اهمیت دادن به اعیاد ملی و مذهبی و رسوم متداول، میزان تفاخر به آثار باستانی کشور، احساس با ارزش بودن، حساب کردن روی خود در مدیریت امور، مشخص بودن اهداف در زندگی، راضی بودن از خود و دوست داشتن خود با تمام خصوصیات، حمایت قانونی از مردم در صورت ارباب و تهدید و تعرض و تجاوز توسط دیگران، حمایت قانونی از جان و مال و آزادی و حیثیت مردم، دفاع قانون در مقابل انواع سوء استفاده از مردم، اقدام مناسب و به موقع در تعقیب و کشف و مجازات و تعزیر مجرمین) به شیوه خودسنجی با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (هیچ=۰، کم=۱، متوسط=۲، زیاد=۳، و خیلی زیاد=۴) اندازه‌گیری شد. در تبیین رابطه سرمایه روان‌شناختی با احساس امنیت اجتماعی، فضای مفهومی تعیین‌کننده به شرحی که در ادامه می‌آید تعریف و از طریق گویه‌های مناسب عملیاتی شده‌اند. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییان (بالای ۱۵ سال) ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد ($N=123264$)، که از این میان تعداد ۳۸۳ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است بدین ترتیب، اصل شانس برابر برای انتخاب افراد جامعه جهت عضویت در نمونه رعایت شد. در این پژوهش اطلاعات بدست آمده با استفاده از

شیوه‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تبیین رابطه بین هر یک از مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی (خودکارآمدی، امیدواری و ...) و امنیت اجتماعی از ضرایب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شد و همه عملیات آماری با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌ها و بحث

الف) یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی تحقیق در جدول (۱) نشان می‌دهد وضعیت خود کارآمدی ۵۷/۷۵ درصد پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۲/۹۳ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید. در مورد تاب‌آوری وضعیت ۵۶/۱۶ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۱/۳۶ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد امیدواری بیش‌ترین فراوانی با (۳۳/۵۹ درصد) در سطح خیلی کم و کم‌ترین فراوانی با (۷/۱ درصد) در سطح خیلی زیاد ارزیابی شدند. در مورد متغیر خوش‌بینی وضعیت ۵۷/۶۹ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۷/۳۶ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید.

جدول ۱. درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل

ردیف	متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	دامنه امتیاز
۱	خودکارآمدی	۹/۳۱	۱۳/۶۲	۱۹/۳۲	۲۶/۵۹	۳۱/۱۶	۴/۲۲	۲/۶۷	۰-۲۲
۲	تاب‌آوری	۱۲/۸۲	۸/۵۴	۲۲/۴۸	۲۶/۷۳	۲۹/۴۳	۴/۱۳	۳/۷۱	۰-۲۵
۳	امیدواری	۳۳/۵۹	۲۴/۴۱	۲۰/۰۸	۱۴/۸۲	۷/۱	۳/۲۹	۲/۱۲	۰-۲۳
۴	خوش‌بینی	۱۰/۰۷	۱۷/۲۹	۱۴/۹۵	۲۷/۰۱	۳۰/۶۸	۲/۶۵	۱/۰۲	۰-۲۶

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی تحقیق در جدول (۲) نشان می‌دهد وضعیت امنیت نوامیس ۵۳/۹۲ درصد پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۵/۱۷ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید. در مورد امنیت اقتصادی وضعیت ۲۴/۸۳ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۵۹ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد امنیت فکری بیش‌ترین فراوانی با (۲۴/۹۷ درصد) در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با (۲۲/۳۹ درصد) در سطح متوسط ارزیابی شدند. در مورد متغیر امنیت جمعی وضعیت ۲۲/۲۱ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۵۸/۴۸ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد وضعیت امنیت مالی ۵۷/۱۷ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۴/۸۷ و انحراف معیار ۱/۷۷ در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۴/۸۸ درصد در سطح خیلی کم و کم و ۱۷/۹۵ درصد در سطح متوسط ارزیابی شدند. در مورد وضعیت امنیت جانی ۶۶/۹۶ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۳/۳۵ و انحراف معیار ۳/۲۲ در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۱۵/۰۳ درصد در سطح کم و خیلی کم و ۱۸/۰۱ درصد در سطح متوسط ارزیابی شدند. در مورد متغیر امنیت شغلی ۶۳/۵۶ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۲/۷۵ و انحراف معیار ۲/۹۸ در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۱/۷۹ درصد در سطح خیلی کم و کم و ۱۴/۶۵ درصد در سطح متوسط ارزیابی شدند. در مورد متغیر امنیت اخلاقی ۵۴/۶۵ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۲/۸۷ و انحراف معیار ۲/۷۷ در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۷/۱۹ درصد در سطح خیلی کم و کم و ۱۸/۱۶ درصد در سطح متوسط ارزیابی شدند. در مورد متغیر امنیت فرهنگی بیش‌ترین فراوانی با ۳۲/۸۳ درصد در سطح خیلی کم و کم‌ترین فراوانی با ۶/۴۱ درصد در سطح خیلی زیاد برآورد شدند. در مورد متغیر امنیت هویتی بیش‌ترین فراوانی با ۳۵/۷۲ درصد در سطح خیلی کم و کم‌ترین فراوانی با ۷/۷ درصد در سطح خیلی زیاد برآورد شدند. در مورد متغیر امنیت قضایی بیش‌ترین فراوانی با ۳۱/۹۶ درصد در سطح زیاد و کم‌ترین فراوانی با ۸/۰۶ درصد در سطح کم برآورد شدند.

جدول ۲. درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای وابسته

ردیف	متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	دامنه امتیاز
۱	امنیت نوامیس	۱۰/۳۵	۱۴/۸۲	۲۰/۹۱	۲۶/۵۶	۲۷/۳۶	۴/۵۴	۲/۵۶	۰-۲۰
۲	امنیت اقتصادی	۸/۹۶	۱۵/۸۷	۱۶/۱۷	۲۸/۱۷	۳۰/۸۳	۴/۳۶	۳/۴۲	۰-۱۸
۳	امنیت فکری	۱۲/۶۷	۱۹/۳۱	۲۲/۳۹	۲۰/۶۶	۲۴/۹۷	۳/۸۷	۱/۵۵	۰-۲۴
۴	امنیت جمعی	۳۳/۴	۲۵/۰۵	۱۹/۳۱	۱۳/۷۲	۸/۴۹	۱/۲۱	۲/۶۱	۰-۲۷
۵	امنیت مالی	۱۴/۵۲	۱۰/۳۶	۱۷/۹۵	۲۶/۸۱	۳۰/۳۶	۴/۸۷	۱/۷۷	۰-۲۹
۶	امنیت جانی	۵/۴۱	۹/۶۲	۱۸/۰۱	۳۱/۱۴	۳۵/۸۲	۳/۳۵	۳/۲۲	۰-۲۶
۷	امنیت شغلی	۹/۱۵	۱۲/۶۴	۱۴/۶۵	۲۹/۹۲	۳۳/۶۴	۲/۷۵	۲/۹۸	۰-۳۲
۸	امنیت اخلاقی	۱۱/۴۷	۱۵/۷۲	۱۸/۱۶	۲۷/۶۹	۲۶/۹۶	۲/۸۷	۲/۷۷	۰-۳۱
۹	امنیت فرهنگی	۳۲/۸۳	۲۹/۴۱	۲۰/۴۲	۱۰/۹۳	۶/۴۱	۱/۵۸	۲/۹۱	۰-۳۰
۱۰	امنیت هویتی	۳۵/۷۲	۲۸/۵۶	۱۷/۲۸	۱۰/۷۴	۷/۷	۲/۱۸	۲/۰۹	۰-۱۹
۱۱	امنیت قضایی	۱۰/۲۴	۸/۰۶	۲۱/۲۶	۳۱/۹۶	۲۸/۴۸	۲/۶۴	۱/۰۷	۰-۱۷

ب) نتایج استنباطی

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۳)، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه بین متغیرهای خودکارآمدی و امیدواری در سطح ۱ درصد خطا مثبت شده است و رابطه بین متغیر خوش‌بینی با متغیر وابسته امنیت اجتماعی در سطح ۵ درصد خطا مثبت شده است و ضمن این که بین متغیر امیدواری با متغیر امنیت اجتماعی رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است. این یافته با مطالعات مسعودنیا (۱۳۸۸) و حیدری ساربان (۱۳۹۴) هم‌خوان است.

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی جهت تعیین رابطه بین دو متغیر

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار (r)	مقدار (p)
روان‌شناختی	خودکارآمدی	۰/۵۶۸	۰/۰۰۰
	تاب‌آوری	۰/۳۹۸	۰/۰۰۰
	امیدواری	۰/۹۸	۰/۱۲۵
	خوش‌بینی	۰/۴۵۶	۰/۰۴

همان‌طوری که در جدول فوق به نمایش درآمده است بین مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی و تقویت احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. و در این راستا، پیرامون ارتباط معنادار بین خودکارآمدی و امنیت اجتماعی باید گفت که خودکارآمدی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های کسب موفقیت و سازش‌یافتگی و مدیریت اوضاع محیط پیرامون می‌باشد. سازه خودکارآمدی - باور بر این که من می‌توانم - به باورها و اعتقادات شهروندان روستایی مبنی بر مقابله با دشواری‌های محیطی و تهدیدات بیرونی و توانایی انجام تکالیف در شرایط خاص اشاره دارد و دشواری‌ها و تهدیداتی که امنیت شهروندان روستایی را به مخاطره انداخته و نیز احساس امنیت اجتماعی را از آنان سلب می‌کند. افزون بر این، به باور سلیگمن (۲۰۰۴)، خودکارآمدی به بهبود احساس امنیت اجتماعی افراد مساعدت می‌کند به این خاطر که، افرادی که از توانمندی‌های جسمی، ذهنی و روانی در سطح متعالی برخوردار باشند به سهولت تسلیم فشارهای محیطی از منظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره نمی‌شوند و نیز، افراد خودکارآمد این توانایی را دارند که بر اضطراب بنیادین خود غلبه کرده و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها را در خود در نیل به تقویت احساس امنیت خلق می‌کنند. افزون بر این، مطالعات نشان می‌دهد که خودکارآمدی بر انتخاب، تلاش، پشتکار، پی‌گیری اهداف و احساس ایمنی در تعامل با محیط اجتماعی تاثیرگذار است به این معنی که، افراد خودکارآمد در تعامل با محیط اجتماعی خود احساسات، عواطف و هیجانات گوناگونی را تجربه می‌کنند و در صورت تجربه احساسات و عواطف ناخوشایند از میزان تاب‌آوری بالا در مواجهه با آن

برخوردار هستند که بتوانند پیروزمندانه از میدان خارج شوند. در نهایت، از بین انواع خودکارآمدی، خودکارآمدی ادراک شده بر احساس امنیت اجتماعی تاثیر مثبت دارد به این خاطر که، خودکارآمدی ادراک شده، علاوه بر این که ترس‌ها و بازداری‌های انتظاری را کاهش می‌دهد، از طریق انتظار موفقیت احتمالی، بر میزان انگیزش و تلاش برای کنار آمدن اثر می‌گذارد. افراد چنان‌چه خود را در موقعیت‌های گوناگون ناتوان ببینند، ممکن است مشکلات را سخت‌تر از آن‌چه واقعا هستند، تصور کنند.

در خصوص پیوند معنادار بین تاب‌آوری و احساس امنیت اجتماعی باید گفت که هر چه قدر روستاییان از تاب‌آوری بیشتری برخوردار باشند به میزان زیادی احساس امنیت می‌کنند به این دلیل که، افراد تاب آور به تناسب منش و شخصیت خود (داشتن توانمندی، انعطاف‌پذیری، توانایی تسلط یا برگشت به حالت عادی پس از مواجهه با استرس، تنش، اضطراب و چالش)، از توانایی مقابله به غایت فزون‌تری در مواجهه با رخداد‌های محیطی برخوردار هستند. افزون بر این، مطالعات گارمزی و همکاران (۱۹۸۴)، نشان می‌دهد که افراد تاب‌آور در مواجهه با شرایط نامساعد و مخاطره‌آمیز و بحرانی و تنش‌زا، وضعیت مناسبی دارند و هیچ مشکل رفتاری که حاکی از به مخاطره افتادن امنیت آن‌ها باشد از خود نشان نمی‌دهند. و نیز به باور ماستن و همکاران (۱۹۹۵)، بین تاب‌آوری و احساس امنیت اجتماعی به سه دلیل رابطه معنی‌دار وجود دارد که عبارتند از: توانایی رشد و پیشرفت با وجود شرایط رشد و ناگوار و پر خطر و بروز پیامدهای مثبت پس از تجربه کردن آن‌ها؛ قابلیت همیشگی در عملکرد تحت فشار روحی و تنش؛ و توانایی بازگشت پس از ضربه روحی ناشی از تجربه موقعیت ناگوار در زندگی. در کل، افراد تاب آور به دلیل داشتن بعضی از ویژگی‌های شخصیتی در مقایسه با افراد ناتاب آور از احساس امنیت بالاتری برخوردار هستند که عبارتند از: توانایی ایجاد خودنظم‌دهی، خودکنترلی، خوداندیشی (از راه این نوع تفکر متمرکز بر خود است که تحلیل تجارب شخصی، تفکر درباره تفکر و در نتیجه، اصلاح تفکر شخصی مسیر می‌شود)، خودپنداره مثبت، اجتماعی بودن، هوش، کفایت در کار آموزشی، خودمختاری، عزت نفس، ارتباطات خوب، مهارت‌های حل مساله، سلامت روانی و جسمانی.

در خصوص پیوند معنادار بین خوش‌بینی و احساس امنیت اجتماعی باید گفت خوش‌بینی یا تفکر مثبت به جهت‌گیری اشاره دارد که در آن معمولا پیامدهای مثبت مورد انتظارند و این پیامدها به عنوان عاملی ثابت، کلی و درونی در نظر گرفته می‌شوند. به باور پیترسون (۲۰۰۰)، افراد خوش‌بین امیدواری بیشتری را تجربه می‌کنند و به دلیل امیدواری بیشتر؛ کمتر دچار احساسات و عواطف منفی که احساس امنیت اجتماعی آن‌ها را نشانه می‌گیرد می‌شوند. افزون بر این، شهروندان روستایی خوش‌بین یک نوع نگاه مثبت به پدیده‌ها دارند و این نوع نگاه، تنش‌ها و اضطراب وجودی آنان را تقلیل می‌دهد. مضاف بر این، افراد روستایی خوش‌بین به یک پیش‌آمدگی عاطفی و شناختی در خصوص این‌که چیزهای خوب مهم‌تر از چیزهای بد است مجهز هستند و این پیش‌آمدگی میزان احساس امنیت آن‌ها را به دلیل ارزیابی و پیش‌بینی نتایج زندگی توسط آنان تقویت می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که روستاییان خوش‌بین، مشکل‌گشا هستند یعنی قبل از این‌که مشکل بر آن‌ها غلبه کند آن‌ها بر مشکل غلبه می‌کنند و همیشه نقشه‌هایی برای مواجهه با مشکلات امنیت‌زا طراحی کرده و سپس مطابق آن عمل می‌کنند و این امر سبب می‌شود آنان در حل مسائل و مشکلات امنیت‌زا در زندگی موفق عمل کنند و در مقابل مسائل و مشکلات حالت انفعالی به خود بگیرند و علاوه بر این، نسبت به دیگران نگرش مثبت داشته باشند و این نگرش مثبت سبب می‌شود که از جانب دیگران احساس امنیت کنند. در کل روستاییان خوش‌بین نسبت روستاییان ناخوش‌بین از احساس امنیت اجتماعی بیشتری به دلایل زیر دارند که عبارتند از: برخورداری از مهارت‌های بین فردی مطلوب، معاشرتی بودن، توانایی ایجاد شبکه اجتماعی حمایت‌گر به دور خود، احساس رضایتمندی و داشتن نشاط بالاتر، داشتن سلامتی ذهنی، جسمی و روحی و روانی.

نتایج رگرسیون چند متغیره

در این روش بر اساس بتای استاندارد بدست آمده متغیرهای خودکارآمدی، تاب‌آوری و خوش‌بینی به ترتیب به عنوان متغیرهایی بودند که بیش‌ترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته داشتند. لذا این متغیرها در مدل نهایی باقی مانده و بقیه متغیرها از معادله حذف شدند. نتایج نشان می‌دهد این متغیرهای پیش‌بین ۲۵ درصد ($R^2 = 0/25$) از میزان واریانس متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) را پیش‌بینی می‌کنند. ضریب تعیین بیان‌گر این است که متغیرهای دیگری نیز در میزان بهبود احساس امنیت اجتماعی روستاییان تاثیرگذار بوده‌اند که در مطالعه حاضر بررسی نشده است. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را در گام نهایی نشان می‌دهد. جدول (۴) و (۵) اطلاعات مربوط به این تجزیه و تحلیل را

نشان می‌دهند. این یافته با مطالعات قماشی و همکاران (۱۳۹۵) و بلینگین (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد. به منظور برآورد معادله تخمین، با توجه به اطلاعات بدست آمده و معنی‌دار بودن مدل نهایی رگرسیون چند متغیره در این پژوهش، با معادله زیر می‌توان میزان سرمایه روان‌شناختی را با بهبود احساس امنیت اجتماعی در منطقه مورد مطالعه تخمین زد:

$$Y=2.45+ 0.822 (X1)+0.243 (X2)+0.287 (X3)$$

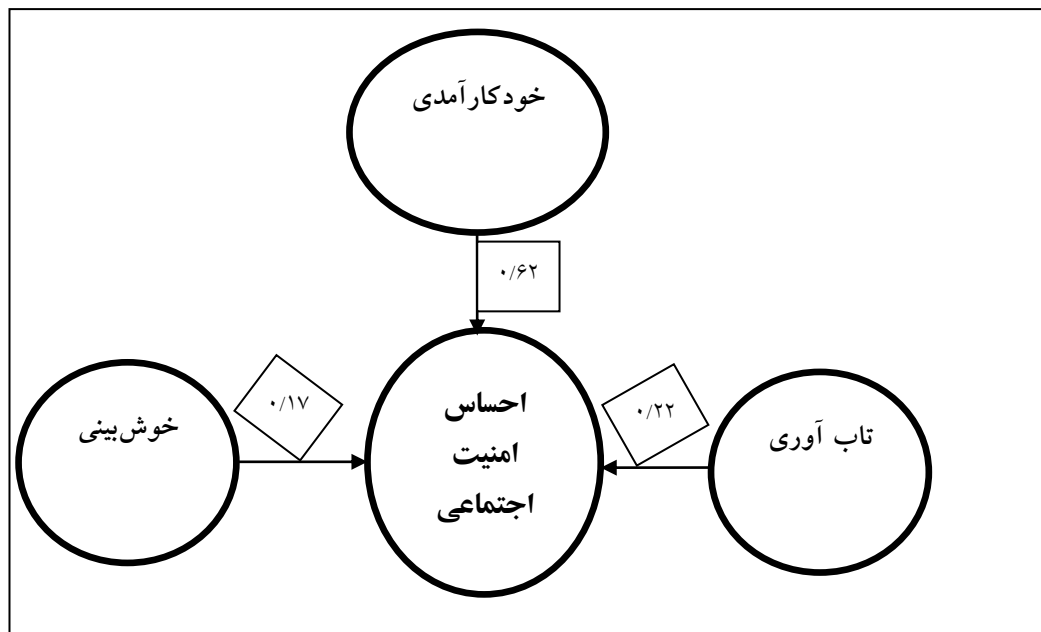
جدول ۴. ضرایب رگرسیون چند مرحله‌ای برای تبیین رابطه اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی

گام	نام متغیر	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار (F)	مقدار (p)
۱	خودکارآمدی	۰/۴۶۲	۰/۲۱۵	۰/۲۰۱	۶۱/۶۳	۰/۰۰۰
۲	تاب‌آوری	۰/۴۹۱	۰/۳۳۲	۰/۲۳۲	۳۶/۴۳	۰/۰۰۰
۳	خوش‌بینی	۰/۵۱۳	۰/۲۶۶	۰/۲۵۹	۲۶/۷۷	۰/۰۰۰

جدول ۵. ضرایب متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون نهایی برای تبیین رابطه اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی

مقدار (p)	محاسبه شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای پیش‌بین
		ضرایب استاندارد نشده	خطای معیار	
۰/۰۰۰	۸/۱۲	-----	۰/۳۰۱	عدد ثابت (عرض از مبدا)
۰/۰۰۰	۶/۷۳	۰/۶۲۲	۰/۱۲۲	خودکارآمدی (X1)
۰/۰۰۱	۲/۹۷	۰/۲۲۴	۰/۰۸۱	تاب‌آوری (X2)
۰/۰۰۲	۲/۴۸	۰/۱۷۵	۰/۱۱۲	خوش‌بینی (X3)

در نهایت اطلاعات مندرج در شکل (۳)، نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا، سهم و نقش متغیر «خودکارآمدی» در تبیین متغیر وابسته «احساس امنیت اجتماعی» بیش‌تر از سایر متغیرها است و متغیرهای تاب‌آوری و خوش‌بینی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند.

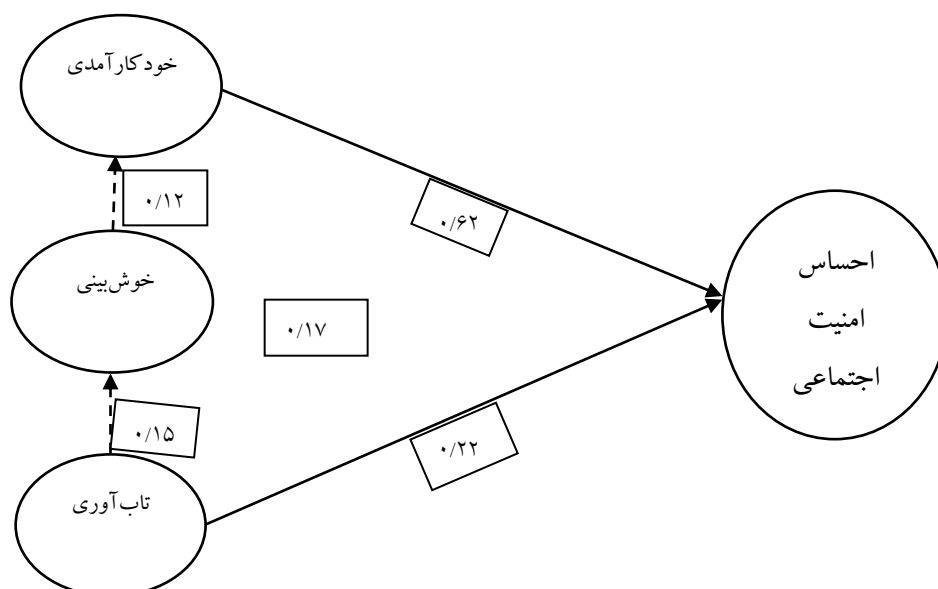


شکل ۳. اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین بهبود احساس امنیت اجتماعی

مطابق جدول (۶) و شکل (۴)، بررسی اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کلی سرمایه روان‌شناختی بر امنیت اجتماعی در سطح روستاهای نمونه نشان می‌دهد که بیش‌ترین اثر کلی مربوط به بعد خودکارآمدی (۰/۹۶) می‌باشد و بعد خوش‌بینی (۰/۲۹) دارای کمترین اثر کلی را در زمینه احساس امنیت اجتماعی در محدود مورد مطالعه داشته است. تاثیرات کلی به دست آمده حاکی از آن است که سرمایه روان‌شناختی در ابعاد (خودکارآمدی، تاب‌آوری و خوش‌بینی) در روستاهای نمونه موثر بوده است. ولی میزان بعد خودکارآمدی بیش‌تر از سایر ابعاد می‌باشد. به طوری که خودکارآمدی، تاب‌آوری و خوش‌بینی باعث افزایش احساس امنیت در منطقه مورد مطالعه شده است.

جدول ۶. سنجش میزان اثرات مستقیم و غیر مستقیم و کلی متغیرها بر بهبود احساس امنیت اجتماعی

اولویت‌بندی	اثر کلی	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	مولفه
۱	۰/۹۶	۰/۳۴	۰/۶۲	خودکارآمدی
۲	۰/۳۷	۰/۱۵	۰/۲۲	تاب‌آوری
۳	۰/۲۹	۰/۱۲	۰/۱۷	خوش‌بینی



شکل ۴. مدل تحلیل مسیر متغیرهای تاثیر سرمایه روان‌شناختی بر احساس امنیت اجتماعی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در پایان باید گفت که وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که احساس امنیت در آن جامعه و چه بسا احساس امنیت در جامعه مهم‌تر از وجود امنیت است؛ چرا که واکنش‌های فرد در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد. بر این اساس تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، پس احساس امنیت نیز نخواهد کرد تا زمانی که همان‌طور که مطرح گردید نوشتار حاضر اثرات سرمایه روان‌شناختی بر بهبود احساس امنیت اجتماعی را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است و همان‌طوری که نتایج یافته‌های توصیفی نشان داد که از بین میانگین مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی، مولفه خودکارآمدی با میانگین (۷/۵۴) در رتبه اول و مولفه امیدواری با میانگین (۴/۸۹) در رتبه آخر قرار دارد و افزون بر این، تحلیل‌های

آمار استنباطی نشان داد سرمایه روان‌شناختی بر بهبود احساس امنیت اجتماعی مناطق روستایی شهرستان اردبیل تاثیرگذار بوده است. به طوری که همبستگی سرمایه روان‌شناختی در تمامی مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی به جز مولفه امیدواری در قالب فرضیه تحقیق به اثبات رسید و در این ارتباط، میزان p محاسبه شده بین مولفه‌های خودکارآمدی و امیدواری با متغیر بهبود احساس امنیت اجتماعی سطح معناداری کمتر از $0/01$ و مولفه خوش‌بینی سطح معناداری کمتر از $0/05$ را نشان داد. که این تحقیق با نتایج تحقیقات (احمدی و فرهادی، ۱۳۹۵؛ حاجلو و عباسی، ۱۳۸۹؛ حیدری ساربان، ۱۳۹۴؛ مسعودنیا ۱۳۸۸، بیلنگین؛ ۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد. از طرف دیگر، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین متغیرهای تحقیق، ۳ متغیر توسط کامپیوتر در معادله باقی ماندند و این ۳ متغیر توانستند ۲۶ درصد از تغییرات را تبیین نمایند. و نتایج تحقیق نشان داد که سرمایه روان‌شناختی از مهم‌ترین ارکان بهبود احساس امنیت اجتماعی از طریق تقویت مولفه‌های خودکارآمدی، تاب‌آوری و خوش‌بینی است در خاتمه، با استناد به نتایج استنباطی تحقیق مبنی بر وجود همبستگی معنی‌دار بین مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی و بهبود احساس امنیت اجتماعی پیشنهاد می‌گردد که توانمندسازی نهادها و ساختارهای تاثیرگذار بر تقویت سرمایه روان‌شناختی و به تبع آن بهبود احساس امنیت اجتماعی از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی سازمان‌دهی شده مانند: نهاد خانواده، آموزش و پرورش و صدا و سیما و غیره در مناطق روستایی شهرستان اردبیل مورد توجه مسئولان مرتبط قرار گیرد. افزون بر این سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه مناطق روستایی باید بر اساس ابزار و امکانات موجود زمینه تقویت سرمایه روان‌شناختی روستاییان ساکن در مناطق روستاییان شهرستان اردبیل را در راستای بهبود احساس امنیت اجتماعی فراهم نمایند و دوره‌هایی مانند برنامه مداخلاتی لوتانز، در مناطق روستایی شهرستان اردبیل برگزار نمایند تا به این وسیله بتوانند از طریق ارتقای سرمایه روان‌شناختی شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی را در مناطق روستایی شهرستان اردبیل بهبود بخشند. علاوه بر این با استناد به نتایج تحقیق توصیه می‌شود در حوزه تحقیقات تجربی سرمایه روان‌شناختی به صورتی دقیق‌تر با ابعادی بیش‌تر بررسی شود و انجام تحقیقات مشابه در جمعیت‌های تحقیق دیگر و تحقیقاتی که در آن‌ها از روش‌های مختلف به خصوص روش‌های کیفی استفاده شود، تا به درک عمیق‌تری از موضوع نایل شود صورت گیرد. افزون بر این، بایستی سازوکاری تدبیر شود تا میزان دانش، مهارت و نگرش روستاییان شهرستان اردبیل در راستای یادگیری و متعاقب آن تغییر رفتار و نیل به توانمندسازی ارتقای یابد به این معنی که تغییر رفتار زمانی در افراد و جوامع و ملت‌ها و گروه‌ها رخ می‌دهد که تغییراتی در حوزه شناخت آنان حاصل آید و هر چقدر ظرفیت‌های شناختی افراد سیر فزونی به خود گیرد بالطبع در مقابل حوادث و رویدادها و رخدادها و مصائب و مشکلات بیش‌تر تاب آورده و احساس امنیت بیش‌تری را تجربه می‌کند. و نیز، شایسته است در راستای تقویت احساس امنیت اجتماعی جوامع روستایی شهرستان اردبیل به ترویج ارزش‌های اخلاقی و معنوی اهتمام جدی مبذول گردد به این دلیل که انسان‌های معنوی و اخلاقی سختی‌ها و مشکلات و رویدادها و مصیبت‌های تلخ را به راحتی تحمل می‌کند این در حالی است که این سختی‌ها، مشکلات و رویدادها و مصیبت‌ها برای یک انسان عادی قابل تحمل نیست و افزون بر این، انسان‌های معنوی و اخلاقی به زعم همه مشکلات و شداید «آب‌جکتیو»ی که در حیات فردی خودشان رخ می‌دهد، به لحاظ «ساب‌جکتیو» از رضایت باطن و آرامش درونی به غایت فراوانی برخوردار هستند و شاد و امیدوار هستند و در مقابل مرارت‌های زندگی و نامالیامات آن بسیار بردبار و صبور. و طبیعی است انسانی که از چنین ویژگی و خصیصه شخصیتی و منشی برخوردار باشد بدیهی است که در بدترین اوضاع و احوال محیطی نیز احساس امنیت بیش‌تری را تجربه می‌کند. مضاف بر این، مطلوب است که پیرامون تحکیم فضای نشاط و خوش‌بینی در مناطق روستایی شهرستان اردبیل گام‌های اساسی در راستای نیل به بهبود احساس امنیت اجتماعی برداشته شود به این دلیل که، شادی و نشاط فردی و خوش‌بینی با عوامل شخصیتی و شناختی گره خورده است. به عنوان نمونه، افراد بانشاط و خوش‌بین احساس امنیت بیش‌تری را تجربه کرده و به سهولت تصمیم می‌گیرند، انعطاف‌پذیری بیش‌تری دارند اهل خطر کردن هستند و خیلی به راحتی می‌توانند اشتباهات و شکست‌های احتمالی خود را بازیابی کنند و نیز، شادی و خوش‌بینی ضمن افزایش بهره‌وری و کارایی و تولید دارایی و ثروت به تقویت حاشیه امنیتی کمک کرده و متعاقب آن به تقویت احساس امنیت اجتماعی ختم می‌شود. و نیز، خوش‌بینی و شادی سبب وقوع پدیده بیش‌اعتمادی می‌شود و بیش‌اعتمادی سبب می‌شود انسان‌ها دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد برآورده نمایند و این احساس را داشته باشند که بر مسایل و رویدادها و شرایط ناگوار و سخت کنترل دارند و تسلط و کنترل بر مسائل و رویدادها و اتفاقات و رخدادها و شرایط ناگوار سبب می‌شود که انسان‌ها کمتر دچار دلهره و اضطراب و تشویش و نگرانی شوند و بر عکس این احساس را داشته باشند که از امنیت بیش‌تری برخوردار بوده و خطرات متوجه آن‌ها نیست. در تایید این گفته

همین بس که کاگت و همکاران (۲۰۱۲)، به نقش احساساتی چون شادی و خوش‌بینی در هدایت انتخاب‌های افراد در موقعیت‌های خطرزا و ریسک‌پذیر تاکید دارند. علاوه بر این، بایستی سازوکاری تدبیر شود تا میزان تاب‌آوری روستاییان شهرستان اردبیل در عرصه‌های متعدد سیر صعودی به خود گیرد به این دلیل که، تاب‌آوری پدیده‌ای است که از پاسخ‌های طبیعی انطباقی انسان حاصل می‌شود و علیرغم رویارویی فرد با پدیده‌های جدی، وی را در دست‌یابی به موفقیت‌ها و غلبه بر تهدیدها توانمند ساخته و احساس امنیت آن را ارتقای می‌بخشد. در تایید این گزاره، دیس و همکاران (۲۰۰۴)، تاب‌آوری را توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی و روانی در شرایط خطرناک بیان می‌کنند.

و در خاتمه این‌که، شایسته است در پژوهش‌های مشابه دیگر، به مطالعه در زمینه شناسایی سایر متغیرهای شناختی، انگیزشی و رفتاری مرتبط با سرمایه روان‌شناختی و نیز انجام مداخلات آزمایشی به منظور اثرات ارتقای سرمایه روان‌شناختی روستاییان شهرستان اردبیل بر بهبود احساس امنیت اجتماعی آنها بپردازند.

منابع

- Ahmadi, S., & Farhadi, E. (2012). The effects of self- esteem on security sense among women in Sanandj city, *Journal of Order and disciplinary security*, 10 (1), 49-64.
- Alvord, M.K., Zucker, B., & Grados, J.J. (2014). Resilience builder program: Enhancing social competence and self-regulation. Champaign, IL: Research Press and the decision to protect one self from victimization. *Sociological Forum*, 29 (3), 587-606.
- Aminbidokhti, A., Sharifei, N (2013), survey role of psychological capital element on relationship religion and social security sense, *Strategic Researches of Security and Social Order Journal*, 1 (3), 13-38.
- Amiri, M. (2000). The end of history and confidence crisis on recognition of Fukuyama new ideas, *Economical and Political Information Journal*, 98 (97), 25-29.
- Arias E., (2016), United States life tables by Hispanic origin. Vital and health statistics. Washington, DC :National Center for Health Statistics.
- Asencio, E. K., Merrill, M. , Steiner, M. (2014), Self-esteem, the fear of crime. *Psychology, Crime and Law*, 15 (4), 1-26
- Aspinwall, L. G., & Richter, L. (2000). Optimism and self-mastery predict more rapid disengagement from unsolvable tasks in the presence of alternatives. *Motivation and Emotion*, 2 (3), 221-245.
- Assad, K. K., Donnellan, M. B., & Conger, R. D. (2010). Optimism: An enduring resource for romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 9(3), 285-297.
- Bahripour, A., & Amirrastegar, K. (2014). Suervy relation between social cofidece and social security sense, *Journal of Sociological*, 4 (10), 9-26.
- Bandura, A. (1977). Self-Efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *Psychological Review*, 8(4), 191-215.
- Bashirieh H. (1999). Revolution and political mobalization, Tehran, Samt Publication.
- Bilgin, P., (2010), "Individual and social dimensions of security," *International Studies Review*, 5(2): 253-261.
- Block, J.H., Wagner, M., (2013), Necessity and opportunity entrepreneurs in Germany: characteristics and earnings differentials. *Schmalenbach Business Review* 62, 154-174
- Brisette, I., Scheier, M. F., & Carver, C. S. (2005). The role of optimism in social network development, coping, and psychological adjustment during a life transition. *Journal of Personality and Social Psychology*, 8(2), 102-111.
- Buran, B. (2013). People, governments and fear, Trnaslated by Strategcis Studies Institutes, Tehran: Strategcis Publication.
- Carver, C. S., & Scheier, M. F. (2000). On the self-regulation of behavior. New York:
- Chin, E., Porter, A., Sekar, V., and Wagner, D (2016), Measuring user confidence in in smartphone security and privacy, Washington D.C.

- Durkim, E. (1995). About of social work division, translated by: Bagher Parham, Ketabsaraie Babol, Tehran.
- Enaiyat, H., Movhed, M., & Heidari, A. (2013). Study of social confidence strategy and social security sense among youth 15-29 year residing shiraz and yasoj cities, *Journal Applied Sociology*, 23 (1), 81-104.
- Erdem R(2017), Investigation of the psychological capital on social security of villagers, *European Journal of Multidixplinary Studies*, 5 (11): 1- 15.
- Fan, J., Meng, H., Gao, X., Lopez, F. J., & Liu, C. (2013). Validation of a U.S. adult social Self-Efficacy inventory in Chinese populations. *The Counseling Psychologist*, 38(4), 473-496.
- Fazi, L., Mariani, M & Cheisa, R. (2018). The effects of resiliency on improvement social security sense of villagers, *Journal of Sustainability*, 10 (1): 1-10.
- Garosi, S., Mirzaei, J. & Shahrokhi, E. (2010). Suervy of social confidence realtion and social security (Case Study: the daughters students of Jiroft Azad University), *Journal of Khnowledge Disiplinary*, 9 (2), 27-39.
- Ghaffari, Gh. (2010). Social capital and disciplinary security, Tehran, Publication of Researchs and Studies.
- Ghomashi, S., Ahmadi, M., Abbasi, M., and Salhei, H. (2017). Survey of youth phsycological capital rate and its effects on tendency to crime, (Case Study: Esfaha City), *Jounral of Medicine rights*, 10 (37), 173-192.
- Giddens, A. (2000). Modernity and persoality, society and personal identity and new age, translated by Naser Movafagian, Nei Publication, Tehran.
- Goetschel, L (2009), Globalization and security: The challenge of collective action, *Expert enkologuium, Der Euangelische Akadamic Loccum*, 10(7): 25-63.
- Hajlu, N., & Abbasi, R. (2011). Suervy of influencing factors on social-economical security sense of youth and teenagers in Ardabil Province, *Journal of Youth Sociology*, 1 (1), 59-76.
- Harms P.D., Luthans, F. (2012). Measuring implicit psychological constructs in organizational behavior: An example using psychological capital, *Journal of Organizational Behavior*, 3(4), 589-594
- Hasnvand, E., & Hasanvand, E. (2014), Suervy of influencing factors on social economical security sense of rural youth, Case Study: Selselhe County, *Journal of Order and disciplinary security*4 (4), 57-80.
- Heidari, S. (2015). The improvement factors of social security form standpoint of villagers, Case Study: Meshkinshar County, *Journal of Geography*, 13 (47), 117-141.
- Huang, F. (2003). Social trust, cooperation, and human capital. Working Paper, Singapore: School of Economics, Singapore Management University. Retrieved 6 4, 2010, from <http://www.ssc.upenn.edu/~fali/hcsc815.pdf>.
- Karami, M., & Farahbakhsh, K. (2016). Suervy of effective's basic components on security social from standpoint of elites of security domain, *Journal of Security*, 3 (13), 49-67. Koen, B. (2012). *Sociology foundations*, translated by Gholamabbas Tavassoli and Reza Fazel, Tehran: Samt Publication.
- Klein, J. D., Sabaratnam, P., Auerbach, M. M., Smith, S. M., Kodjo, C., Lewis, C., Ryan, S., & Dandino, C. (2009). Development and factor structure of a brief instrument to assess the impact of community programs on positive youth development: The Rochester evaluation of asset development for youth (READY) tool. *Journal of Adolescent Health*, 39, 252-260.
- Koller, L. (2016). the study relationship between hope and social security sense in the rural region, *International Journal of Psychological Studies*, 8 (2): 41-53.
- Lin, S. & Betz, N. E. (2012). Factors related to the social self-efficacy of Chinese international students. *The Counseling Psychologist*, 37(3), 451-471.
- Liu, E. Z. F. & Chang, Y. F. (2013). Gender differences in usage, satisfaction, self-efficacy, and performance of blogging. *British Journal of Educational Technology*, 41(3), E39-E43.

- Long, N & Landani, F (2015), Towards a Psychology of Rural Development Processes and Interventions, *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 2 (4), 534-546.
- Luthans F, Luthans K, Luthans BC. Positive psychological capital: Going beyond human and social capital. *Bus horiz* 2004; 47 (1), 45-50.
- Luthans, F. (2008). *Organization Behavior*, 11th ed, MC Graw- Hill.
- Luthans, S,K, Avolio, B,J., (2008), positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfactions *personnel psychology*, 3(5), 55- 72 .
- Masoudnia, E. (2012). Suervy of relation between self-esteem and social anxiety of undergraduate age, *Behavior Daneshvar*, 3 (7), 49-59.
- Mirzaei, E., Mohammadi, F., & Anbari, A. (2015). Explanation of sociological influencing factors on security sense between frontier regions of Khozestan Province, (woith emphasizing on frontier controller) , 5 (4), 67-91.
- Moller, B., (2008), National, societal and human security: discussion-case study of the Israel-Palestine Conflict in <http://sociology82.blogfa.com>.
- Morrow, S,E (2016),social capital, food security, and resource utilization in low income population, Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in the Department of Anthropology in the Graduate School of the University of Alabama.
- Moser, C., (2013), change, violence and insecurity in non-conflict situation, over seas Development. Institute 111 west minster Bridge Road, London .
- Motimer, D. (2013). Beyond strategy, critical idea and new security studies, translated by mahmoud Asgari, *Journal of Strategics Studies*.
- Mottaghi, Sh., Rezaei, S., & Akbari, R (2019), Survey of psychological capital and self-efficacy on social security sense of students, *Journal of Social Security*, 5 (4), 1-19.
- Navidnia, M. (2010). Introduction to social security, *Journal of Strategics Studies*, 6 (19), 55-78.
- Nsiri, Gh. (2012). Virtually and skeleton of security sociology, *Strategic Journal*, 2 (6), 112-133.
- Obrist, B., Pfeiffer, C., Henley, R. (2015) Multi-layered social resilience: a new approach in mitigation research. *Progress in Developmental Studies*, 1(1), 283–293
- Oman, R. F., Vesely, S. K., McLeroy, K. R., Harris-Wyatt, V., Aspy, C. B., Rodin, S., & Marshall, L. (2005). Reliability and validity of the youth asset survey (YAS), *Journal of Adolescent Health*, 3(1), 247–55.
- Peter, K., Williams,A., and Simone,D (2015), Measuring social capital in Hamilton, Ontario. *Social Indices Research*, 10(8), 215-238.
- Peterson, C., & Vaidya, R. S. (2004). Explanatory style, expectations, and depressive
- Puri., p and Robinson, D (2010), Optimism and economic choice, *Journal of Financial Economics*, 8 (6), 71-99.
- Rao, K. Hanumantha, Kanth, G. Rajani, Dheeraja C., (2016),Summary of proceedings and recommendations, national institute of rural development, Hyderabad Workshop on “Strategies and Instruments for Payment of Wages in MGNREGS” Aug. 1-3.
- Sagone, E. & De Caroli, M. E. (2013). Locus of control and academic self-efficacy in university students: the effects of Self-concepts. Selection and peer-review under responsibility of Prof. Dr. Tülay Bozkurt, Istanbul Kultur University, Turkey, 4th World Conference on Psychology, *Counseling and Guidance*, 228 -222.
- Salhei Amiri, S. & Afshari Nadri, A. (2013). Theoretical and strategics foundations on promotion management of cultural and social security in Tehran, *Journal of Strategy*, 59 (20), 49-60.
- Salimi, A., Babaporseke, M., & Rezaei, N. (2013). Suervy of order and social security from standpoint of citizens of Kashmer City, 3 (27), 117-134.
- Sarokhani, B., & Hashemnajad, F. (2014) . Suervy relation between of social capital (its components) and social security sense among youth of Sary County, 2 (2), 81-94.

- Segerstrom, S. C., & Solberg, L. (2009). When goals conflict but people prosper: The case of dispositional optimism. *Journal of Research in Personality*, 4(5), 675–693.
- Seligman ME (2000) Positive psychology: An introduction. *Journal of Psychology*, 5(5), 5–14.
- Shamlo, R. (1999). Mental pathology, Tehran: Chehrhe.
- Sifei, A. (2013). Modern educational psychology, Learning and education psychology, Tehran: Doran.
- Simmel, G., (2010), The Philosophy of money, Translated by T. Battomor, London, Routledge press.
- Snyder, C.D. (2002), Hope Theory: Rainbows in the Mind, *Psychological Inquiry*, 13(4), 249-275.
- symptoms. *Personality and Individual Differences*, 3(1), 1217–1223.
- Tennen, H., & Affleck, G. (2000). The costs and benefits of hope explanations and dispositional hope. *Journal of Personality*, 5(5), 377–393.
- Topkaya, E. Z. (2014). Pre-service English language teachers' perceptions of computer self-efficacy and general self-efficacy. *The Turkish Online Journal of Educational Technology*, 9(1), 143-156.
- Turner, J.H. (2012). The Structure of sociological theory. London: Wadworth Publishing Company
- Wu, J. J., Chen, Y. H., & Chung, Y. S. (2012). Trust factors influencing virtual community members: A study of transaction communities. *Journal of Business Research*, 6 (9), 1025-1032.
- Zanjanizadhe Ezazi, H. (2007). Women and urban security, *Journal of Literature*, 3 (4), 1-25.
- Zedner, L., (2014), Democracy, society, and the government of security, theoretical Criminology, Washington.